

بررسی مسائل اشتغال زنان



مشارکت زنان در بازارهای کار در قرن بیستم به طرز چشمگیری رشد کرد. قرن بیستم شاهد افزایش شدید تعداد زنانی بود که در بازارهای کار در کشورهای صنعتی اولیه شرکت می کردند. روندهای مثبتی در همه این کشورها وجود دارد. به طور قابل توجهی، رشد مشارکت در مقاطع مختلف زمانی آغاز شد و با نرخهای متفاوتی پیش رفت. با این وجود، افزایش قابل توجه و پایدار در مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای ثروتمند یکی از ویژگی های بارز تغییرات اقتصادی و اجتماعی در قرن بیستم است. [بیشتر بخوانید](#)

اشتغال زنان: مفید برای تجارت، مفید برای توسعه

رشد اقتصادی زمانی قوی تر و پایدارتر است که زنان و مردان به طور یکسان در بازار کار مشارکت کامل داشته باشند. مشاغل برای زنان بهتر است که منجر به دستمزدهای بالاتر و تصمیم گیری بیشتر می شود همچنین تأثیر مثبتی بر روشهایی که خانوادهها برای تغذیه، بهداشت و آموزش کودکان خرج می کنند، دارد. در این میان، شرکتهایی که برای اشتغال زنان سرمایه گذاری می کنند، مزیت رقابتی مهمی به دست می آورند. با این حال، علیرغم شواهد متقاعدکننده ای که نشان می دهد برابری جنسیتی تأثیری دگرگون کننده بر بهره وری و رشد دارد، هنوز پتانسیل کامل اقتصادی و مولد زنان در بسیاری از نقاط جهان تحقق نیافته است. در سطح جهانی، در حالی که سطح تحصیلات زنان افزایش یافته است و زنان تحصیل کرده اکنون بیش از هم تانایان خود که تحصیل نکرده اند، درآمد بیشتری دارند، شکاف های جنسیتی در مشارکت در بازار کار و سطح دستمزد همچنان ادامه دارد. زنان همچنان در مشاغل رسمی و با ارزش افزوده بالاتر حضور ندارند.

اشتغال زنان و بخش خصوصی

زنان ۴۰ درصد از نیروی کار جهان را تشکیل می دهند. نیروی کار زنان برای بسیاری از بخش های حیاتی برای رشد اقتصادی در بازارهای نوظهور - مانند تجارت کشاورزی، نساجی و گردشگری - حیاتی است. درآمد زنان سهم مهمی در درآمد خانوار و رشد آن دارد. بازارهای داخلی با این حال، زنان همچنان با تعدادی از موانع برای مشارکت

کامل و مولد در بازار کار، مانند تبعیض و آزار و اذیت روبرو هستند و سهم آنها همیشه به یک اندازه ارزش گذاری نمی شود. در بسیاری از بخش‌ها، مانند معدن، ساخت‌وساز و انرژی، زنان تنها اقلیت کوچکی از کارگران هستند و منبعی دست‌نخورده از نیروی کار و مهارت‌ها هستند. تقریباً در همه بخش‌ها، کمتر از مردان در پست‌های مدیریتی حضور دارند. سازمان بین‌المللی کار تخمین می‌زند که تقریباً نیمی (۴۸ درصد) از پتانسیل تولیدی جهانی جمعیت زنان استفاده نشده باقی می‌ماند (در مقایسه با ۲۲ درصد برای مردان).

دختران و زنان

برابری جنسیتی برای دستیابی به حقوق بشر اساسی است و آرزویی است که به نفع همه جامعه از جمله دختران و زنان است. مزیت‌های جهانی برابری جنسیتی به خوبی مستند شده است و چندین چارچوب بین‌المللی بر محوریت آن در حقوق بشر و توسعه پایدار تأکید کرده اند. برای مثال، اعلامیه پکن و پلتفرم اقدام، که به اتفاق آرا توسط ۱۸۹ کشور در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید و هنوز قوی‌ترین اجماع جهانی برای پیشبرد و حمایت از برابری و عدالت دختران و زنان است، اذعان می‌کند که نابرابری‌های مداوم «پیامدهای جدی برای رفاه جامعه» ایجاد می‌کند. همه مردم.»

با این حال، با وجود وعده برابری، پیشرفت به سوی آن آهسته، شکننده، فزاینده و برگشت‌پذیر بوده است - و به‌طور چشمگیری توسط همه‌گیری COVID-19 تضعیف شده است. در واقع، در هر منطقه ای از جهان، دختران و زنان همچنان به احتمال زیاد فقیر، دارای تحصیلات پایین، گرسنه، ناسالم، کمتر در پست‌های رهبری، محدودیت قانونی، به حاشیه رانده شدن سیاسی، و در معرض خطر خشونت هستند.